

دوشنبه اول خرداد ۱۴۰۲ | ۲۱دی‌القمده ۱۴۴۴

سجاد آذری

اظهار نظر رئیس‌جمهور پیرامون حقایبه هیرمند، واکنش‌های زیادی داشته‌است. حداقل یک دهه است که رودهای مرزی، به خصوص هیرمند، به موضوعی برای منازعه بین همسایگان تبدیل شده‌است. خشک‌تر شدن اقلیم و از بین رفتن کسب و معیشت‌های محلی در سیستان و بلوچستان به دلیل کمبود آب و خشک شدن هیرمند، بر پیچیدگی ماجرا افزوده‌است. با تغییر حکومت در افغانستان، پیگیری حقایبه هیرمند با دشواری‌های جدیدی هم‌روبه‌رو شد. فارغ از برخی اظهارنظرهای غیر کارشناسی، آنچه اکنون همه طرف‌ها در رابطه با آن محیت می‌کنند، بودن یا نبودن آب در افغانستان است. به عبارت دیگر، حتی طرف افغانی هم آن‌قلتی نسبت به معاهده بین ایران و افغانستان و تأیید اصل حقایبه ایران ندارد، بلکه مدعی است آب کافی در افغانستان وجود ندارد تا حقایبه کشورمان را بدهد. از طرف دیگر، نقشه‌های ماهواره‌ای و اظهارنظرهای کارشناسان ما تأیید می‌کند که آب در افغانستان وجود دارد و مقامات این کشور تعداد در مسیر انتقال آب به ایران انحراف ایجاد کرده و می‌کنند. حالا تأمین حقایبه هیرمند، به موضوعی سیاسی هم تبدیل شده‌است. «جوان» در این باره با پدram جدی و محمود یزدانی، کارشناسان مسائل آب گفت و گو کرده‌است.

■ ■ ■

در ابتدا متن گفت‌وگوی پدram جدی کارشناس حوزه آب و محیط‌زیست با «جوان» ارائه می‌شود.

وضعیت فعلی هیرمند را بفرمایید تا وارد بحث شویم.



نقطه خروجی رودخانه هیرمند به دریاچه هامون می‌رسد و دریاچه هامون هم به سه تکه بزرگ تقسیم می‌شود که همگی نزدیکی شهر زابل هستند. تأمین‌کننده این دریاچه هم ارتفاعات است، وقتی که شاهد بارش برف در این ارتفاعات هستیم، مسیر رودخانه به نحوی است که آخر آن به هامون می‌ختم می‌شود. مثلاً همانطور که فرضاً وقتی در ارتفاعات چهارمحال و بختیاری بارندگی شود، به زاینده‌رود می‌ریزد و می‌رود به سمت تالاب گاوخونی در خوص تالاب هیرمند هم هر چند سرچشمه در کشور دیگری است، ولی نهایتاً به دریاچه هامون می‌رسد.

دریاچه هامون هم جایی است که تا دهه قبل ما شاهد صیادی در آنجا بودیم، یعنی زندگی بخش زیادی از مردم وابسته به صیادی، گاویش داری و گاوداری بوده‌است، نیزه‌های بزرگ و مانند اینها در آنجا بوده‌است، ولی در سال‌های اخیر ما شاهد خشکسالی می‌ریم و این واقعیتی است که نمی‌شود کتمان کرد. البته واقعیتی دیگر نیز این است که در زمستان در ارتفاعات این حوضه آب‌ریز شاهد برف و باران هستیم و شاید الان در این مقطع بارندگی و سیلابی نداشته‌باشیم که وارد حوضه دریاچه هامون شود، اما مکرراً شاهد بوده‌ایم در زمستان گذشته بارش در حوضه آب‌ریز آن اتفاق افتاده و بارش‌ها به شکل سیلابی در آمده و وارد سد شده‌است. اما چون دریاچه‌ها را باز نکرده‌اند، آب به سمت شور‌زاری به اسم گودزره هدایت شده‌است که می‌گویند دریاچه‌ها بزرگ ما خراب است، ولی اگر خراب باشد یا قابل اصلاح هست یا نه، در هر صورت باید تدبیری در خصوص آن اندیشیده شود و نمی‌شود این شرایط ادامه پیدا کند. البته اینکه چند سال بعد از ساخت سه همه چیز آن خراب شده‌است نیز به نظر خیلی منطقی نمی‌رسد.

چه سدهای روی هیرمند ساخته شده‌است؟

یکی سد کمال‌خان و دیگری سد کجکی است. یکی از مباحثی که در خصوص این سدها مطرح می‌شود این است که مدعی هستند پخش زیادی از سد رسوبات گرفته‌است، ولی اگر این رسوبات پوشش بیمه سلامت ما سالانه شاهد سیلاب هستیم، اما چرا پخشی از این سیلاب وارد خاک ایران نمی‌شود؟ خب مشخص است که خیلی برنامه‌ای ندارند و نمی‌خواهند وارد خاک ایران هست یا نه، در هر صورت باید تدبیری در خصوص آن اندیشیده شود و نمی‌شود این شرایط ادامه پیدا کند. البته اینکه چند سال بعد از ساخت سه همه چیز آن خراب شده‌است نیز به نظر خیلی منطقی نمی‌رسد.

بیمه‌قرار گرفتند.
ناصحی اظهار داشت: سایر دهک‌ها مثل دهک چهارم ۱۰ درصد را پرداخت می‌کند، دهک پنج ۲۰ درصد و دهک ۶ نیز ۳۰ درصد و به همین ترتیب پرداخت افزایش پیدا می‌کند و دهک آخر نیز باید همه مبلغ را پرداخت کند.



شود و گر نه حداقل در زمستان چندبار باید شاهد ورود آب به حوضه دریاچه هامون باشیم.

این میزان آبی که پشت سد هست، چه مقدار تخمین زده می‌شود؟

تصاویر ماهواره‌ای از حوضه آب‌ریز هیرمند اثبات می‌کند که به رغم کاهش آب سد کمال‌خان که ظرفیت آن ۵۰ میلیون مترمکعب است، نسبت به سال گذشته، سد دیگر افغانستان به نام سد کجکی با ظرفیت بیش از یک میلیارد مترمکبی که در بالادست سد کمال‌خان و در فاصله ۳۵۰ کیلومتری از مرزهای ایران قرار دارد پر از آب است و با توجه به بارش‌های خوبی هم که در ماه‌های اخیر در کشور افغانستان رخ داده، حجم آب ذخیره شده در پشت این سد از پنج ماه گذشته تاکنون بسیار بیش‌تر هم شده‌است. اگر تصاویر اردیبهشت امسال را با تصاویر اردیبهشت پارسال مقایسه کنیم، حجم آب بیشتری را نشان می‌دهد. اگر هم قرار است طی یکسال رسوباتی جمع شود این رسوبات آنقدر معنادار نیست که بتواند یک حجم زیادی از آب را کم یا زیاد کند.

اینکه گفته می‌شود آب به شکلی به سمت شور‌زارها رز داده می‌شود، چه مقدار واقعیت دارد؟

این واقعیتی است که وجود دارد، البته اینجا می‌گویند که دریاچه‌های پایین سد ما باز نمی‌شود و حجم دریاچه‌های کوچک‌ما نیز آنقدری نیست که وقتی آب رها می‌شود، به مرزهای ایران برسد و فقط در مسیر رودخانه کشور‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند، البته مزارع بعد از سد نیز توسعه پیدا کرده‌است، اما سد انحرافی یک امر واقعی است که عکس‌های ماهواره‌ای آن نیز موجود است و اصلاً نیاز به بازدید میدانی هم ندارد. الان تصاویر ماهواره‌ای به لحظه می‌تواند به شما بگوید که در زمان بارش مناسب و ورود جریان آب مناسب به سد کمال‌خان بخش زیادی از آب به سمت ایران نیامده‌است و بلکه منحرف شده به سمت شور‌زاری به اسم گودزره هدایت شده‌است.

این کار برای دولت حاکم در افغانستان منفعت اقتصادی هم دارد یا به دلایل دیگر این کار را انجام می‌دهند؟

این موضوع یک لایحه سیاسی امنیتی بزرگ دارد و در زمان افتتاح سد کمال‌خان اشرف غنی، رئیس‌جمهور سابق افغانستان رسماً اعلام کرد که ما می‌توانیم به ایران بدهیم و در قبال نفت، سوخت و انرژی در خدمت ایران هستیم، این موضعی است که رسماً اعلام شده حالا اینکه دولت عوض شده یا ما شاهد تغییری در این موضع بوده‌ایم، به نظر من اینگونه نیست چون واقعیت امر این است که مجموع سدهای افغانستان عمدتاً زیر نظر کشور آمریکا بوده ترکیه، اسرائیل و هلند در این خصوص سرمایه‌گذاری داشته‌اند و اکثر مدیران فنی،

جامعه

سرویس اجتماعی۹۸۴۰۸۸۹

کارشناسان حوزه آب در گفت‌وگو با «جوان» مطرح کردند

حقابه هیرمند به ابزار سیاسی برای امتیازگیری تبدیل شده‌است



پیمانکاران، بهره‌برداران، سرمایه‌گذاران و مهندسان خارجی آن همان‌ها هستند، الان هم طالبان نخله‌های مختلفی است و یکدست نیستند، آنها البته می‌گویند که ما خودمان آب نداریم و درگیر خشکسالی هستیم، اما با توجه به واقعیت‌های متفاوتی که وجود دارد، به دنبال نوعی فشار به کشور هستند و این ابزاری شده تا

از ایران امتیازاتی را برای خودشان بگیرند.

اصلاً اینکه ما به دنبال دیپلماسی بحث می‌کنید، مبتنی بر اینکه سد ساخته شده تا به نحوی باج‌گیری در حوضه سوخت به وجود بیاید، چه مقدار جواب خواهد داد؟

تا الان که جواب نداده‌است، واقعیت این است که ۸ میلیون تبعه افغانی در ایران زندگی می‌کنند، در مدارس و دانشگاه‌ها مشغول به درس خواندن هستند، از خدمات دولتی استفاده می‌کنند و امنیت آنها تأمین می‌شود، از طرف دیگر بین ایرانی‌ها و افغانی‌ها از لحاظ فرهنگی و تاریخی قرابت بالایی وجود دارد، پخش زیادی از سوخت، انرژی، برق و کالاهای اساسی روزمره افغانستان نیز از سمت مرزهای ایران به افغانستان انتقال داده‌می‌شود. در سخت‌ترین شرایط ما حامی آنها بودیم و در موارد افغانی در ایران با هواپیماهای خود دارو و خدمات اضطراری برای آنها ارسال می‌کرد، حال اگر ایران برادری خود را به شیوه‌های مختلف ثابت کرده نباید به خاطر یک سد، در موضوع حوضه آب‌ریز جریان طبیعی آب اینگونه بر خلاف معاهده رفت، پخش آن هم در حالی که در اکثر کشور‌ها حتی چنین معاهده‌ای در حوضه آبی وجود ندارد، مثلاً ترکیه سدهای زیادی ساخته ولی ما هیچ معاهده‌ای در این خصوص نداریم، ولی ما اینجا معاهده داریم و به راحتی می‌توانیم شکایت کنیم و از مراجع بین‌المللی پیگیری کنیم. البته از سوی دیگر اینجا هیچ حاکمیتی وجود ندارد که بتوانیم فشارهای بین‌المللی و حقوقی در این زمینه وارد کنیم. پس یک مسیری که می‌توانیم با آنها پیش ببریم، بحث دیپلماسی آب است ولی جواب نمی‌دهد یا حداقل تا به حال که پاسخ نداده و بعد از این نیز پاسخ نخواهد داد.

به عنوان جمع‌بندی بحث، یعنی واقعیت میدانی این است که طالبان آبی را که تعهد کرده به ایران بدهد، به نحوی هرز می‌دهد و حاضر نیست به سمت ایران رها کند؟

بله همینطور است، ما انتظار داشتیم حداقل ظاهر را حفظ کند و یک جریان آبی جاری باشد تا منطقه خشک نشود، چون وقتی که خشک شود، این مسئله فقط دامن مردم ما را نمی‌گیرد و دامن شهرهای آنها مانند رزنج را نیز خواهد گرفت و گردوغبار اینگونه نیست که مرز داشته باشد و ممکن است چندصد کیلومتر را درگیر کند، همان‌گونه که دیده‌اید وقتی

گرد و غبار از کشور عربستان بلند می‌شود تا مرکز ایران نیز پیش روی می‌کند.

■ ■ ■

در این بخش متن گفت‌وگوی محمود یزدانی کارشناس حوزه آب با «جوان» ارائه می‌شود. اگر آب حوضه آب‌ریز هیرمند وارد کشور ما نشود، چه اتفاقی می‌افتد؟

خب پاسخ آن یک کلام است و آن نابودی است. ما در کشور حوضه‌های آب‌ریز متفاوتی داریم، به حوضه آب‌ریز شمال دریای خزر می‌گوییم، در جنوب کشور از این دست می‌گذارد، به مسئله‌ای برمی‌گردد که به آن فلات مرکزی را داریم که عمده حوضه آب‌ریز ما در این فلات مرکزی است، حوضه آب‌ریز شرقی را داریم که همین فلات مرکزی است و یک بخشی هم به عنوان حوضه آب‌ریز سرخس مطرح است. حالا اینکه این اتفاقات تبعات و تأثیراتی زیست‌محیطی در حوضه آب‌ریز هیرمند و بر انسان، دام، محیط‌زیست، گونه‌های گیاهی و موضوعاتی هیرمند در آن است و اراضی سیستان ما آبیاری می‌شد و دیپلماسی می‌گوییم و این در حوزه دوستان خوب مادر وزارت امور خارجه است که باید اتفاق بیفتد.

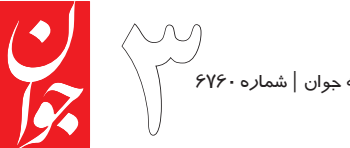
این مشکل از کی شروع شده‌است؟

چند دهه قبل از انقلاب محدوده هیرمند جزو محدوده جغرافیایی کشور ما بود که با قرار دادهایی که بستند و میانجی‌گری‌هایی که انگلیس‌ها انجام دادند این تکه راز کشور جدا کردند و مادر گری‌این موضوعات شدیم. وقتی هیرمند جاری بود، اراضی سیستان ما آبیاری می‌شد و نهایتاً هم به دریاچه هامون می‌ریخت.

خب اصلاً این حوضه آب‌ریز چیست؟

اینجا بخشی از خشکی‌هایی هستند که آب جاری به بخش‌هایی خود می‌رسد و ما هیرمند نهایتاً به دریاچه هامون می‌رسد و ما به آن حوضه آب‌ریز می‌گوییم که به شکلی الان هیرمند تبدیل به مرز بین‌المللی بین ایران و افغانستان بوده‌است.

وضعیت فعلی افغانستان با بحث حقابه هیرمند چگونه قابل جمع است؟
الان افغانستان ثبات سیاسی ندارد و حاکمیت آنها را هیچ کدام از کشور‌های جهان به رسمیت نشناخته‌اند و در نتیجه کار ما را در دیپلماسی آب سخت می‌کند، یعنی ما با یک شبه‌دولت روبه‌رو هستیم که هنوز ساختار خودش را خیلی مستحکم و پایرجانی‌بیند، چه برسد که ما برویم راجع به این موضوعات با آنها بحث کنیم. خب الان رئیس‌جمهور محترم یک واکنش تند سیاسی نسبت به آنها انجام داد و این کاری است که باید خیلی زودتر اتفاق می‌افتد، اینکه کار به جایی برسد که دست سیستان ما الان رو به نابودی رفته و ما الان بخواهیم نشان



دهیم که براساس نقشه‌برداری‌ها افغانستان در حال جبهه‌جا کردن مسیر رود است. الان می‌گویند چه کنیم که دشت سیستان ما دارد نابود می‌شود مگر ما تعهدات بین‌المللی نداریم، براساس قرارداد بین‌المللی باید این میزان حقابه به ما داده‌شود، وگرنه خسارت جبران‌ناپذیر به محیط‌زیست ما وارد می‌شود، فاجعه زیست‌محیطی و انسانی پیش می‌آید، بحث مهاجرت را خواهیم داشت، قاعدتاً وقتی که امکان کشاورزی وجود نداشته‌باشد، قایل پیش‌بینی است که کشاورز فقط می‌تواند مهاجرت کند. در تعریف حوضه آب‌ریز گفتیم که تمام یا قسمتی از آب جاری به یک نقطه نهایی می‌ریزد و نقطه نهایی هیرمند هم تالاب بین‌المللی هامون است و تالاب هامون هم با این وضعیت قطعاً خشک خواهد شد و وقتی هم که آب نداشته باشیم گردوغبار و ریزگرد داریم، کشاورزی از بین می‌رود و پدیده مهاجرت پیش می‌آید، بحث‌های سیاسی اتفاق می‌افتد، دولت‌ها روابط را با یکدیگر کاهش می‌دهند و وقتی این قهر کردن بین دولت‌ها اتفاق می‌افتد، روی ماشین‌های هم‌دیگر خط می‌اندازند الان هم کاری که طالبان کرده این است که می‌گویند شما بیایید ما را به رسمیت بشناسید تا ما حقابه را به شما می‌دهیم، ولی ما می‌گوییم این موضوعی فرادولتی است، این یک حقی است که شما باید به ما می‌دادید ولی اتفاق نیفتاده‌است.

موضوعاتی که ما می‌گوییم همگی معلول ساختاری هستند به نام «دیپلماسی آب» و اینجا نشان می‌دهد وزارت نیز، امور خارجه و کارگروه‌های مشترک آنها با هم‌دیگر باید دشت سیستان را از نابودی بیشتر نجات دهند. اتفاقات خوبی در خصوص دریاچه ارومیه افتاد که همه ما را خوشحال کرد و محیط‌زیست را قطعاً شوخال‌تر کرده‌است. ما باید همان عزمی که برای دریاچه ارومیه داریم برای دشت سیستان هم داشته باشیم، هر چند که عمده موضوع از دست ما خارج است و سرمشوارودخانه هیرمند از کوه‌های هندوکش می‌آید و موقعیت جغرافیایی آن خارج از مرز کشور ماست. ما به دشت درگیر این موضوع هستیم، کشوری که ۵۰ درصد مساحت آن تحت اقلیم خشک است و آن نیمه دیگر هم نیمه خشک است، یعنی سرانه‌ای که در کشور ما خواهد بود به ازای هر چهار بارش سه تا ی این تخمیر می‌شود و اینها می‌تواند در موضوع بغرنجی را خواهیم داشت. همه اینها می‌گوید که دیپلماسی آب یک امر بسیار واجب است و از نظر فقهی هم حقابه یک واجب عینی است همه مردم را اگر آن دلمان برای حوضه آب‌ریز هیرمند دشت سیستان می‌سوزد و اگر دلمان برای کودکان سیستان می‌تپد باید کمک کنند، چون ممکن است به دلیل نداشتن یک آب بهداشتی بچه‌های سیستانی درگیر موضوعاتی شوند که در نسل‌های بعدی هم تأثیر بگذارد. همه باید تلاش کنیم و این موضوع دیپلماسی آب را لحاظ کنیم.

ما این موضوع دیپلماسی آب را لحاظ کنیم. امیدواریم دولت محترم با این گفتگویی که رئیس‌جمهور کردی این اقدام داد و اسم آن را یک ترس سیاسی گذاشتن کاری کند که طالبان آب را به ما بازگرداند. جغرافیایی کشور ما بود که با قرار دادهایی که بستند و میانجی‌گری‌هایی که انگلیس‌ها انجام دادند این تکه راز کشور جدا کردند و مادر گری‌این موضوعات شدیم. وقتی هیرمند جاری بود، اراضی سیستان ما آبیاری می‌شد و نهایتاً هم به دریاچه هامون می‌ریخت.

وضعیت فعلی افغانستان با بحث حقابه هیرمند چگونه قابل جمع است؟
الان افغانستان ثبات سیاسی ندارد و حاکمیت آنها را هیچ کدام از کشور‌های جهان به رسمیت نشناخته‌اند و در نتیجه کار ما را در دیپلماسی آب سخت می‌کند، یعنی ما با یک شبه‌دولت روبه‌رو هستیم که هنوز ساختار خودش را خیلی مستحکم و پایرجانی‌بیند، چه برسد که ما برویم راجع به این موضوعات با آنها بحث کنیم. خب الان رئیس‌جمهور محترم یک واکنش تند سیاسی نسبت به آنها انجام داد و این کاری است که باید خیلی زودتر اتفاق می‌افتد، اینکه کار به جایی برسد که دست سیستان ما الان رو به نابودی رفته و ما الان بخواهیم نشان

وضعیت فعلی افغانستان با بحث حقابه هیرمند چگونه قابل جمع است؟
الان افغانستان ثبات سیاسی ندارد و حاکمیت آنها را هیچ کدام از کشور‌های جهان به رسمیت نشناخته‌اند و در نتیجه کار ما را در دیپلماسی آب سخت می‌کند، یعنی ما با یک شبه‌دولت روبه‌رو هستیم که هنوز ساختار خودش را خیلی مستحکم و پایرجانی‌بیند، چه برسد که ما برویم راجع به این موضوعات با آنها بحث کنیم.

اینکه گفته می‌شود دولت طالبان بخشی از آب را به سمت شور‌زارها رز می‌دهد چه مقدار واقعی است؟

من هم در رسانه‌ها این را شنیدم و فکر می‌کنم دولت طالبان می‌خواهد این موضوع انحصاراً برای ر کند و ما می‌توانیم براساس مستندات علمی هم ببینیم که این مسئله را ابزاری برای تحت فشار قرار دادن ما برای به رسمیت شناخت خودشان قرار داده‌اند.

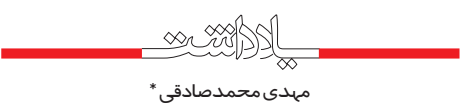
مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۸۵۶

تأملات اجتماعی گاه نیازمند مقایسه هوشمند است. دوستی خلاق که سال‌ها در آمریکا و کشور‌های شمالی (سوئد، فنلاند و دانمارک) زندگی کرده، به بیان تفاوت‌های فرهنگی آنان پرداخته که شیرین و شنیدنی است. در آمریکا نظام ارزشی حول ستاره پروری و تحقیر غیر ستاره‌هاست. در کشور‌های شمالی حول تربیت نیروی انسانی باکیفیت، پرانگیزه و ماهر. در امریکا رقابت بر سر خرید جزیره و جت خصوصی است. در کشور‌های شمالی نمایش ثروت ارزش نیست؛ فروتنی و پرهیز از تجملات تحسین می‌شود. صاحب «ایکیا» با ۵۰ میلیارد دلار ثروت، با اتوبوس سر کار می‌رفت؛ تلاش در امریکا مقابل پاداش‌های بزرگ صورت می‌گیرد. در کشور‌های شمالی زن در امریکا کار و زندگی تعادل ندارد و فرد باید خودش را وقف کار کند، اما در کشور‌های شمالی کار نباید وارد زندگی شخصی شود.

شما کدام‌یک را می‌پسندید؟ ایرانی‌ها به کدام سمت مایلند؟



برابری جنسیتی

انگار‌های علیه هویت‌یابی دختران نوجوان
یکی از موضوعاتی که در عرصه سیاست‌پژوهی و سیاست‌گذاری اجتماعی اهمیت دارد، بازآفرینی و هویت‌یابی دختران است. ضعف این مسئله در بلوای اخیر نیز اثر گذار بود، زیرا یکی از خصیصه‌های شکل‌گیری نامطالبه‌های اجتماعی، ضعف هویتی و شناختی مطالبه‌گران آن است.

در همین راستا، گهگاه برخی مسئولان اجتماعی و سیاست‌گذاران آموزشی نسبت به بحران هویت دختران، اظهار نگرانی می‌کنند. با وجود این، ضرورت دارد به ریشه‌ها و علل این مسئله پرداخت تا موضوع در جامعه به درستی فهم شود. یکی از این عوامل، تأثیرات گفتمان زن غربی بر انگار‌های جنسیتی دختران است. در این مطلب به تبعات انکار هویت جنسی و جنسیتی زنان، در هویت‌یابی دختران نوجوان در عصر پست مدرن، به‌صورت مختصر اشاره شده‌است.

در دوره حاضر، هویت جنسیتی نفی می‌شود و اساساً هویت نیز به مفهومی بدل شده که تنها در چارچوب گفتمان، مشروعیت می‌یابد؛ یعنی الگوی زن غربی متأثر از ملزومات اندیشه‌ای این دوران، با ناپدیدانگاری تفاوت‌های فیزیولوژیک و جنسیتی زن و مرد، مردسازي زنان را مزیت و نماد برابری می‌شمارد، چون مرد آن‌سبت به زن برتر و سودآورتر می‌داند و در سیاست‌های عمومی و رسانه‌ای مردانگی را ترویج می‌کند. با وجود این، طی سال‌های گذشته، بارها مسئولان حوزه زنان و خانواده، برابری جنسیتی را که درصد مردسازي زنان است، به تهدید امنیتی بر ارزش‌های اسلامی تلقی می‌کنند. هر چند در این میان نیز برخی بلاگر‌های اجتماعی با پیروی محض از الگوی جهانی، صراحتاً: عدالت جنسیتی سخن به میان می‌آورند. پس شایسته است دختران ایرانی را در قبال این تناقض و تفکرات ضدزن گفتمان غربی آگاه کرد.

در همین زمینه، انکار تفاوت‌های جنسیتی به یکسان‌نگاری بستر و قوانین برای بروزرات اجتماعی دختران دامن می‌زند. این موضوع به انحراف و اعتساف بیشتر سیاست‌گذاران کشور می‌انجامد، زیرا بسبب می‌شود، حکمرانان از فراهم‌سازی بسترهای اجتماعی برای مشارکت زنان غفلت کنند.

ضمناً دختران در مرحله هویت‌یابی با ناپدید گرفتن ارزش‌ها و نسل‌های هویتی خود، به فعالیت‌های مردانه گرایش پیدا می‌کنند و از استعداد‌های خاص زنانه غافل می‌شوند. این چرخه غلط طی سالیان متمادی استمرار می‌یابد و نسل جدید نیز به پیروی از این گفتمان، کسب جایگاهی مردانه‌تر از رزو می‌کند.

در حقیقت، انکار تفاوت‌های جنسیتی در برخی ساختار‌های کلان کشور، طی دهه‌های اخیر بر معضل شفاف‌بین‌سلی و اختلال هویتی دختران افزوده‌است. در این راستا، بعضی خانواده‌ها برای تقبیح کُرکار کرد «رحیت فرزند پسر»، تفاوت‌های جنسیتی دختران خود را فراموش کرده، او را به سمت اهداف مردانه، سوق می‌دهند. غافل از اینکه، فرزندشان در دوران هویت‌یابی با تناقض بین ارزش و نگرش روبه‌رو شده و برخلاف هنجار‌های خانوادگی، کنش خواهد کرد. لازم به اشاره است وقتی دختران با اختلال هویتی مواجه شوند، در پذیرش نقش‌های زنانه و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز ناکام خواهند شد. زیرا مثلاً برای مشارکت در ریحانه‌وار در جامعه، نیاز است دختران نسبت به کارویژه‌های جنسیتی خود آگاه شوند تا با عزت‌نفس، حاضر نشوند به هر قیمتی به ریشه‌های هویتی خود تیشه بزنند.

انکار هویت جنسی، جامعه غربی را با انواع چالش‌های انسان‌شناختی مواجه کرده‌است. یکی از این مسائل، گسترش جنبش‌ها و کمپین‌های حامی محجبات‌زنان و دگر‌با‌ش‌ها جنی است. این موضوع در جوامع غربی، به پوچ‌گرایی و ضعف نهاد خانواده منجر شد. پس ضروری است خانواده ایرانی نیز نسبت به تفاوت جنسی دختران و پسران هوشیارانه‌تر عمل کند تا در موضوع هویت‌یابی جنسی به چالش غربی دچار نشود. به توجه به مطالب مطرح شده، آمید است سیاست عمومی و هنجار اجتماعی در کشور، تفاوت‌های جنسی و جنسیتی زنان و مردان را جدی گرفته و سیاست‌گذاران، گزاره برابری با عدالت جنسیتی را شعار انتخاباتی و تبلیغات سیاسی نکنند، زیرا اساساً و واقع زن و مرد برابر نیستند و زنان و مردانگی، ملزومات رفتاری و ساختاری متفاوتی دارد. البته نگارنده به این نکته ادعان دارد که نابرابری به معنی مزیت جنسیتی بر جنس دیگر نیست و حتماً باید بستری فراهم شود تا همه دختران بر مبنای استعداد جنسیتی و تلاش خود، به انتهای موفقیت‌های زنانه و انسانی دست یابند، آن‌شاء‌الله.

✽ پژوهشگر جمعیت‌شناسی سیاسی

خبر کوتاه

■ متخصص قلب با بیان اینکه یکی از علل مهم مرگ و میر ناشی از بیماری‌های قلبی افزایش فشار خون است، گفت: ۵۰ درصد افراد دچار شده به فشار خون، خبری از بیماری خود خبر ندارند.

■ رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی هشدار داد که پنجره جمعیتی ایران کمتر از یک دهه دیگر بسته خواهد شد.

■ با تصویب اعضای شورای شهر بهای بلیت مترو ۱۰ درصد کاهش یافت. بلیت مدت‌دار ۲ هزار و ۸۵۰ تومان به ۲ هزار و ۵۰۰ تومان و بلیت مسیر تهران کرج از ۳۷۷۰/۷۰ تومان به ۳۴۴۰/۰ تومان کاهش یافت.

■ معاون امور توانبخشی سازمان بهزیستی کشور گفت: از آنجا که نوزادان مبتلا به فنیل کتونوری، بلافاصله بعد از تولد هیچ‌گونه علامت بالینی نشان نمی‌دهند، اولین گام در درمان بیماری تشخیص به موقع است.